

جلوه‌های بخشش و بخل در گلستان و بوستان

حسینعلی موسی زاده^۱

دکتر سید محمود سیدصادقی^۲

دکتر سید جعفر حمیدی^۳



تاریخ دریافت: ۹۴/۱۰/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۲/۱۲

چکیده

در این مقاله دو موضوع بخشش و بخل مورد توجه قرار گرفته‌اند. دو موضوعی که نه تنها تصور برخی از مردم نسبت به آنها درست نیست بلکه بالعکس، بخشیدن، نوعی به دست آوردن و خساست از دست دادن است. در این نوشته تعدادی از کتاب‌های روان‌شناسی موفقیت مورد مطالعه واقع شده است و در کنار آن و برای اثبات این مطالب در کتاب‌های گلستان و بوستان سعدی، پژوهش شده و ابیات و عباراتی که تأیید بر چنین مضمونی دارند استخراج و توضیح داده شده است. این تحقیق می‌خواهد بیشتر درباره‌ی بعد روان‌شناسی صفت مثبت بخشندگی و صفت منفی بخل، تفحص کند، هم چنین می‌خواهد اثبات نماید که کتاب‌های گلستان و بوستان نه تنها اخلاقی هستند بلکه فراتر از آن روان‌شناسی اخلاق هستند و نکته‌های ویژه‌ای از اخلاق در آنها بیان شده است که راه خوشبختی حقیقی را برای مردم نمایان می‌سازد.

واژه‌های کلیدی: قرآن، نهج البلاغه، بخشندگی، بخل، گلستان، بوستان، روان‌شناسی.

۱ - دانشجوی دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، بوشهر، ایران. hamusazadeh@chmail.ir

۲ - استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، بوشهر، ایران. sadeghi.mahmood@yahoo.com

۳ - استاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، بوشهر، ایران. dr.sj.hamidi@yahoo.com

مقدمه

«وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ: مثل آنان که مالشان را در راه خدا انفاق می‌کنند به مانند دانه‌ای است که از یک دانه هفت خوشه برآید و در هر خوشه صد دانه باشد و خدا از این مقدار نیز بر هر که خواهد بیفزاید چه خدا را رحمت بی‌منتهاست و به همه چیز احاطه‌ی کامل دارد.» (بقره، ۲۶۱ ترجمه‌ی مهدی الهی قمشه‌ای)

بخشنندگی موضوع بسیار مهمی است، که نه تنها باعث فقر نمی‌شود بلکه راه گشای بزرگ راه سعادت و ثروتمندی می‌باشد «پیوسته نوع دوستی را در خود تقویت کنید، زیرا اولاً یاری‌گری و نوع دوستی احساسات مثبت فرد را تقویت کرده و در ثانی یاری‌گری سبب می‌شود که به طور خودکار و اتوماتیک، خودباوری‌های کامیابانه‌ی فرد تقویت شود. همین طور، از آنجایی که خودافزایی، ناشی از هم‌افزایی می‌شود این ویژگی نیز سبب می‌شود که فرد پیوسته در مسیر برخورداری و سعادت پایدار سیر کند.» (کاتلین هال، ۱۳۸۹، ص ۴۸) اما بسیاری از مردم چنین می‌اندیشند که نباید به دیگران چیزی ببخشند چون از ثروتشان کاسته می‌شود و با این اندیشه حساست را پیشه می‌کنند و نمی‌دانند مالی که بخشیده می‌شود طبق دستوره‌های دین مبین اسلام و حتی مطابق نظر روان‌شناسان غرب براساس قوانین طبیعت چند برابر آن بازگردانده می‌شود. «مَنْ ذَا الَّذِي يقرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفُهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْصِطُ وَاللَّهُ تَرْجِعُونَ: کیست که خدا را وام (یعنی قرض الحسنه) دهد تا خدا بر او به چندین برابر بیفزاید؟ و خداست که می‌گیرد و می‌دهد و خلق به سوی او همه بازمی‌گردند.» (بقره، ۲۴۵ ترجمه‌ی مهدی الهی قمشه‌ای) آنها فکر می‌کنند اگر بخیل باشند، نه خود بخورند و استفاده نمایند و نه به دیگران ببخشند ثروتمند خواهند شد ولی نمی‌دانند

نزد خواجه نصیرالدین توسی انواعی دارد که دو نوع کرم و ایثار به موضوع مورد نظر در این مقاله ارتباط بیشتری دارد «سخا نوعی است که در تحت او انواع بسیار است و تفصیل بعضی از آن این است: اما انواع فضایل مه در تحت جنس سخاست هشت است: اول کرم، دوم ایثار، سوم عفو، چهارم مروّت، پنجم نیل، ششم مواسات، هفتم سماحت، هشتم مسامحت. اما کرم آن بود که بر نفس سهل نماید انفاق مال بسیار دراموری که که نفع آن عام باشد و اما ایثار آن بود که بر نفس آسان باشد از هر مایحتاجی که به خاصّی او تعلق داشته باشد برخاستن و بذل کردن در وجه کسی که استحقاق آن او را ثابت بود.»

(خواجه نصیرالدین محمدبن محمدبن حسن توسی، ۱۳۷۳، ص ۲۳)

«اصولا شادی از سه راه به دست می‌آید: اولین راه، انتظار چیزی خوب را داشتن است. دومین راه مشارکت کردن و سومین راه از طریق خوشحال کردن شخصی دیگر است.» (ریچارد دنی، ۱۳۹۱، ص ۱۳)

خوشحال کردن دیگران می‌تواند با لبخند یا گفتن سخنی شیرین و دلپذیر و دادن انگیزه انجام گیرد اما یکی از راه‌های دیگر دادن هدیه‌ای مناسب از قبیل شاخه‌ی گل یا کادو یا کمک مالی به دیگران است. کمک مالی به دیگران مورد سفارش اکید دین اسلام و پیامبر (ص) و ائمه‌ی اطهار (علیهم السّلام) می‌باشد و در قرآن چندین بار به پرداخت خمس و زکات و دادن صدقه توصیه شده‌است. «رسول اکرم در ضمن بیان وظایف و حقوق همسایگان فرموده‌است: وَإِذَا اشْتَرَيْتَ فَابْكِهِ فَأَهْدِهَا لَهُ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَادْخِلْهَا سَتْرًا وَلَا يَخْرُجْ بِهَا وَلَدَكَّ يَغِيظُ بِهَا وَلَدَهُ يَعْنِي مَوْعِي كَيْهَ بَرَايْ خَوْذٍ وَخَانُوَادَةٍ مِيوَهَ خَرِيْدَارِي مِي كُنِي مَقْدَارِي اَزْآن رَا بَهْ هَمْسَايْگَانْ اَهْدَاكُنْ، اِكْرَمْ نَمِي تُوَانِي هَدِيَهَ بَدَهِي مِيوَهَ رَا سَرِّي وَ مَحْرَمَانَهَ بَهْ مَنزَلْ بَبِرْ. مَرَاقِبْ بَاشْ فَرْزَنْدَتْ مِيوَهَ رَا بَهْ خَارِجْ مَنزَلْ نَبْرَدْ تَا كُوْدَكْ هَمْسَايَهَ اَزْ دِيْدَنْ آنْ نَارَا حَتْ وَ اَزْرَدَهْ خَا طَرْ گَرْدَد. (پیام آزادی، ۱۳۶۱، ۱۵۷) «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِكُمُ إِلَى

التَّهْلُكَةُ وَالْحَسَنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ: ازمال خود در راه خدا انفاق کنید لیکن نه به حد اسراف و خود را به مهلکه و خطر درنیفکنید و نیکویی کنید که خدا نیکوکاران را دوست دارد.» (بقره، ۱۹۵ ترجمه‌ی مهدی الهی قمشه‌ای)

اهمیت بخشش نزد پیامبر به اندازه‌ای است که حتی اگر کسی توان بخشندگی ندارد باید مواظب هزینه‌های زندگی و شیوه‌ی مصرف خود باشد. از سویی ختم نبوت (ص) بخشش را آن اندازه مورد توجه قرار داده است که حتی مردم هنگام خرید مایحتاج روزانه‌ی خود دست بخشندگی از جیب بیرون آورند.

نیم نانی گر خورد مرد خدای بذل درویشان کند نیم دگر
(گلستان، درسیرت پادشاهان، ۵۱)

انسان مؤمن حتی اگر یک قرص نان داشته باشد نیم آن را می‌بخشد و «پادشه را کرم باید تا بر او گرد آیند و رحمت تا در پناه دولتش ایمن نشینند» (گلستان، سیرت پادشاهان، ۵۷)
چون یاری رساندن به دیگران احساس شادی را در انسان برمی‌انگیزد، می‌توان گفت که «تقریباً غیر ممکن است که دیگری را خوشحال کنید و خودتان خوشحال نشوید. بسیاری از تجار موفق عامدانه و یا به صورت دیگر ثابت کرده‌اند که کمک به دیگران برای کسب موفقیت مالی، باعث شده تا ثروت خود آنان نیز افزوده گردد.
در زمانی که کودک بودید با خوشحالی در انتظار روز تولد و کریسمس بودید به یقین این روزها زمان هدیه گرفتن و شگفتی بود. هم چنان که بزرگتر می‌شوید هیجان و شادی پس از دادن هدایا و شگفتی‌ها به وجود می‌آید.» (ریچارد دنی، ۱۳۹۱، ۱۵ و ۱۶)
گویند: «حکیمی را پرسیدند از سخاوت و شجاعت کدام بهتر است؟ گفت: آن را که سخاوت است به شجاعت حاجت نیست» (گلستان، اخلاق درویشان، ۱۴۴)
در جامعه‌ای که کتاب مقدس، پیشوایان دین و حکیمان آن از بخشندگی سخن می‌گویند، همه‌ی اقشار جامعه باید سخاوتمند باشند.

چو آسایش خویش جویی و بس
 کیش بگذرد آب نوشین به خلق؟
 گزیند بر آرایش خویشان
 به شادی خویش از غم دیگران
 به تسبیح سجاده و دلق نیست
 دمادم رسد رحمتش بر روان
 غم بی نوایان رخم زرد کرد
 نه بر عضو مردم نه بر عضو خویش
 که باشد به پهلوی بیمار سست
 به کام اندرم لقمه زهر است و درد
 کجا ماندش عیش دربستان؟
 چو بیند کسان بر شکم بسته سنگ
 چو بیند که درویش خون می خورد
 که می پیچد از غصه رنجوروار
 چو بیند درگل خرخارکش
 (بوستان، ۱۱۰)

نیاساید اندر دیار تو کس
 چو بیند کسی زهر درکام خلق
 خنک آن که آسایش مردوزن
 نکردند رغبت هنر پروران
 طریقت به جز خدمت خلق نیست
 وز آن کس که خیری بماند روان
 من از بی نوایی نیم روی زرد
 نخواهد که بیند خردمند، ریش
 منغص بود عیش آن تندرست
 چو بینم که درویش مسکین نخورد
 یکی را به زندان درش دوستان
 بجز سنگدل کی کند معده تنگ
 توانگر خود آن لقمه چون می خورد
 مگو تندرست است رنجوردار
 دل پادشاهان شود بارکش

به دستکاین دولت و ملک می رود دست به دست
 (گلستان، سیرت پادشاهان، ۷۸)

درباب کنون که نعمتت هست

«یا مَنْ آدَمَ كُنْ وَصِيَّ نَفْسِكَ فِي مَالِكَ وَاعْمَلْ فِيهِ مَا تُؤْتِرُهُ أَنْ يَعْمَلَ فِيهِ مِنْ بَعْدِكَ: اِىِ فرزند آدم! خودت وصی مال خویش باش. امروز به گونه‌ای عمل کن که دوست داری پس از مرگت عمل کنند.» (نهج البلاغه، ص ۶۶۸، حکمت ۲۵۴)

مردانگی آن است که دهنی شیرین کنی نه ستم‌گری و زورگویی، که نشان جوان مردی نیست.

گرت ازدست برآید دهنی شیرین کن مردی آن نیست که مشتی بزنی بردهنی
(گلستان، اخلاق درویشان، ۱۳۹)

اگر جوان مردباشی و بخشنده چون حاتم طایی نام نیکت تا ابد خواهد ماند.
نماند حاتم طایی ولیک تا به ابد بماند نام بلندش به نیکوی مشهور
(گلستان، اخلاق درویشان، ۱۴۴)

اگر می‌خواهی ثروت و مکنت تو افزون گردد، زکات آن را باید پردازای هم
چنان که فضله‌ی رز را می‌گیرند تا انگور بیشتری بدهد. «وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلِأَنْفُسِكُمْ
وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجهِ اللَّهِ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ: شما هر انفاق
و احسان کنید درباره‌ی خویش کرده‌اید و نایبست انفاق کنید جز در راه رضای خدا
و هر نیکی کنید از خداوند پاداش تمام به شما می‌رسد و هرگز به شما ستم نخواهد
رسید.» (بقره، ۲۷۳)

زکات مال را بدرکن که فضله‌ی رزرا چو باغبان بزند بیشتر دهد انگور
(گلستان، اخلاق درویشان، ۱۴۴)

حتّی بهرام‌گور که پادشاهی مقتدر و زورمند بود و بر همه‌ی کشور فرمانروایی
داشت نصیحت می‌کند که کرامت بهتر از قدرت است.

نبشته است برگور بهرام‌گور که دست کرم به ز بازوی زور
(گلستان، اخلاق، ۱۴۴)

نه تنها کرم بهتر از زور بلکه از خویشاوندی هم بهتر است. چنان که «الكَرْمُ أَعْطَفُ
مِنَ الرَّحِم: بخشش بیش از خویشاوندی محبت می‌آورد» (نهج البلاغه، ص ۲۶۶
حکمت ۲۴۷)

زر و سیم برای تمتّع و بهتر زندگی کردن است. افزون بر آن بخشندگی نیز لذّت آفرین است.

از زر و سیم راحتی برسان خویشتن هم تمتّعی برگیر

(گلستان، درفضیلت قناعت، ۱۶۳)

هرکس به سخاوتمندی شهره گشت دیگر نمی‌تواند نبخشد و کسی که نام نیک وی درکوی و برزن پیچید، دیگر نمی‌تواند درِ خانه را به روی مردم ببندد.

خداوندان کام و نیک بختی چرا سختی خورند از بیم سختی

هر که علم شد به سخا و کرمب ند نشاید که نه‌د برِ درم

نام نکویی چو برون شد به کوی در نتوانی که ببندی به روی

(گلستان، تأثیر تربیت، ۲۳۳)

«موفقیت معمولاً به وسیله حمایت، تشویق، الهام، راهنمایی و کمک دیگران به دست می‌آید. هم چنین این نکته نیز حقیقت دارد که کلید رسیدن به آن چه می‌خواهید، کمک به دیگران است تا که آنان نخست به آن چه می‌خواهند برسند پس از این مرحله است که ضمانت صد درصد به وجود خواهد آمد» (ریچار دنی، ۱۳۹۱، ۲۰)

همان گونه که سعدی می‌فرماید:

آن کس که به دینار و درم خیر نیندوخت سر عاقبت اندر سردینار و درم کرد

خواهی متمتّع شوی از دینی و عقبی باخلق کرم کن چو خدا با تو کرم کرد

عرب گوید: جُدولاً تمنن فإِنَّ الْفَائِدَةَ الْيَكِ عَادَةٌ: یعنی ببخش و منت منه که نفع آن به تو باز گردد.

درخت کرم هرکجا بیخ کرد گذشت از فلک شاخ و بالای او

گر امیدواری که کزو بر خوری به منت منه ارّه برپای او

(گلستان، آداب صحبت، ۲۵۷)

امام علی (ع) می‌فرماید: «مَنْ يَعْطِي بِالْيَدِ الْقَصِيرَةَ يَعْطَى بِالْيَدِ الطَّوِيلَةِ: آن کس که بادست کوتاه ببخشد از دستی بلند پاداش می‌گیرد» (نهج البلاغه، ص ۶۶۲، حکمت ۲۳۲) پس بخشش نه تنها از دست دادن مال نیست بلکه به دست آوردن بیشتر هم هست. «دکتر آلفرد آدلر یکی از مشهورترین روان‌شناسان است که همیشه به بیماران خود می‌گفت: تلاش کنید که هر روز چطور می‌توانید شخصی را دل شاد کنید.

اگر این دستور را اجرا کنید در چهارده روز کاملاً بهبود می‌یابید. دکتر آدلر عقیده دارد بیماران مالیخولیایی و خیالاتی همیشه می‌خواهند عذر و بهانه‌ای برای اوقات تلخی و دلخوری داشته باشند اگر تلاش کنند هر روز یک کار خوب و مفید برای دیگران انجام دهند به زودی خوب خواهند شد» (دیل کارنگی، ۱۳۸۸، ۱۷۲) سپس دیل کارنگی از زبان پیامبر عظیم الشان اسلام می‌گوید «کارخوب آن است که لبخندی از شادی بر صورت دیگران ظاهر کند» (همان، ۱۷۲)

توانگرا چودل و دست کامرانت هست
بخور، ببخش که دنیا و آخرت بردی
(گلستان، تأثیر تربیت، ۲۵۵)

«زرتشت می‌گوید: کارخوبی که برای دیگران انجام می‌دهید وظیفه و تکلیف نیست نوعی لذت است. زیرا به سلامتی و رضایت خاطر شما اضافه می‌کند» (دیل کارنگی، ۱۳۸۸، ۱۷۷) «پدر پولدارم هم تعلیماتش هم پولش را به دیگران می‌بخشید. وی عمیقاً به بخشش ده درصد از درآمدش اعتقاد داشت وی همیشه می‌گفت اگر چیزی می‌خواهی باید چیزی ببخشی. وقتی پول کمی داشت به کلیسایی که به آن جا می‌رفت و یا به سازمان خیریه‌ی مورد علاقه اش پول می‌داد. هر وقت احساس می‌کنید چیزی را کم دارید یا به چیزی نیاز دارید اول از آن کمی ببخشید سپس مقادیر عظیمی از آن دریافت می‌کنید. این امر در مورد پول، عشق، لبخند یا روابط دوستانه و اجتماعی صادق است.» (رابرت کیوساکی،

نیکی نکند از وی دور خواهد شد و لطف و مهربانی حتی بیگانه را هم حلقه به گوش خواهد کرد.

بندهی حلقه به گوش ار نوازی برود لطف کن لطف که بیگانه شود حلقه به گوش
(گلستان، ۵۶)

همان به که لشکر به جان پروری که سلطان به لشکر کند سروری
(گلستان، ۵۷)

اگر پادشاهی کرم پیشه کند همهی مردم دوست دار و فرمان بردار او خواهند بود و گرد وی جمع خواهند شد. چرا که مردم بردهی لطف و احسان هستند. «گفت پادشاه را کرم باید تا برو گرد آیند و رحمت تا در پناه دولتش ایمن نشینند.» (گلستان، ۵۷)
لکن هیچ گاه مردم تشنه برکنار آب شور گرد نمی آیند. بلکه هرکجا چشمه‌ای با آب گوارا باشد همهی جانداران بر آن تجمع می نمایند.

کس نبیند که تشنگان حجاز به آب شور گرد آیند
هرکجا چشمه‌ای بود شیرین مردم و مرغ و مور گرد آیند
(گلستان، ۶۵)

«مرا خداوند تعالی، مالک این مملکت گردانیده است تا بخورم و بیخشم نه پاسبان، که نگاه دارم.» (گلستان، ۷۵)

کسی که هر لحظه و بارها درحق تو نیکی کرده است اگر یک بار به تو ستمی نمود پوزش او را بپذیر، چرا که ممکن است اشتباهی کرده باشد و از سویی برای آن نیکی‌ها برگردن تو حق بسیار دارد.

آن را که به جای توست هر دم کرمی عذرش بنه ارکند به عمری ستمی
(گلستان، ۸۲)

و اکنون که فرصتی از عمر تو باقی است و توانایی آن را داری به مردم نیکی کن،

او ندادی مجازات کار تو این خواهد بود ستمگر به زور از تو خواهد گرفت.
 به روزگار سلامت، شکستگان دریاب که جبر خاطر مسکین بلا بگرداند
 چوسایل از تو، به زاری طلب کند چیزی بده و گرنه ستمگر به زور بستاند
 (گلستان، ۱۱۵)

بخل

بخل در لغت: (بُ) (ع) (ا) تنگ چشمی و خست (محمد معین، ۱۳۸۴ ج ۱) معنی شده است یعنی اسم یا همان مصدر عربی و صفت آن بخیل می باشد.
 یکی از صفات مذموم بشری بخل است. «اَيَّاكَ وَمُصَاحِبَةَ الْبَخِيلِ فَإِنَّهُ يَخْذُ لَكَ فِى مَالِهِ أَحْوَجُ مَا تَكُونُ إِلَيْهِ: با بخیل مصاحبت مکن زیرا اگر به مال او نیاز پیدا کنی او بخل می ورزد و دستت را نمی گیرد.» (اصول کافی، ج ۲، ص ۳۷۶) برخی از مردم آن را توجیهی برای پس انداز تصور می کنند. به این دلیل تلاش می کنند تا در زندگی اقتصادی و مالی خود هزینه های کمتری صرف نمایند تا به گمان خود ثروتمند گردند، لیکن در این کار چنان افراط می کنند که از زندگی خود هیچ بهره و لذتی نمی برند حتی خانواده و اهل و عیال و فرزندان خود را نیز عذاب می دهند. البته بر همگان مبرهن است که کم هزینه کردن در معنی قناعت امری پسندیده می باشد اما اگر از حد بگذرد و به بخل بینجامد و زندگی و لذت های آن را تحت شعاع قرار دهد، دیگر صفتی نیک به شمار نخواهد آمد. «بدان که زهد عبارت از ترک است و زاهد کسی را گویند که او را از دنیاوی چیزی بوده باشد و به اختیار خود آن را ترک کرده بود و هر که چیزی را نبوده باشد و ترک نکرده بود، او را زاهد نگویند، فقیر گویند و هر که ترک دنیا کند از برای اظهار سخاوت، یا از برای قبول خلق یا از جهت سبب دیگر که نه از برای خدا بود و نه از برای آخرت بود او را هم زاهد نگویند زاهد آن باشد که ترک دنیا کند از برای ثواب آخرت یا از برای خدا.» (انسان کامل، ۳۳۰) روان شناسان

انجام برخی از کارها را که هزینه کردن برای زندگی است و در واقع نفی بخل می‌باشد در نکات و دلایل موفقیّت چنین بیان می‌کنند: «به ظاهر خودتان برسید: اگر ظاهرتان خوب باشد واقعاً به شما کمک خواهد کرد تا در درونتان نیز احساس خوبی داشته باشید. چقدر از دیگران می‌شنویم که می‌گویند: چقدر احساس بهتری دارم. پس از آن که مدل مویشان را عوض کرده‌اند و یا لباس جدیدی خریده‌اند حتی آنان اعتماد به نفس بیشتری نیز به دست آورده‌اند. پولی که صرف ظاهر خود می‌کنید ارزشمند است اما به افراط کشیده نشوید.» (ریچار دنی، ۱۳۹۱، ۴۹)

سعدی نیز در حکایت جدال سعدی با مدعی می‌گوید: «گفت: غلط گفتمی که بنده‌ی درم‌اند. چه فایده چون ابر آذارند و نمی‌بارند و چشمه‌ی آفتابند و برکس نمی‌تابند. بر مرکب استطاعت سوارانند و نمی‌رانند، قدمی بهر خدا ننهند و درمی بی منّ و اذی ندهند، مالی به مشقّت فراهم آرند و به خست نگه دارند، و به حسرت بگذارند، چنان که حکیمان گویند: سیم بخیل وقتی از خاک برآید که وی در خاک رود.» (گلستان، جدال سعدی بامدعی، ص ۲۴۸)

چنان که اشاره شد سعدی هم بر بخیلان تاخته است و آنها را بنده‌ی پول دانسته درحالی که توانایی خوردن و بخشیدن دارند نه خود می‌خورند و نه به دیگران می‌بخشند. در صورتی که نگهداری مال آدابی دارد: «و اما حفظ مال بی تثمیر میسر نشود. چه خرج ضروری است و در آن سه شرط نگاه باید داشت: اوّل آن که اختلالی به معیشت اهل منزل راه نیابد، دوم آن که اختلالی به دیانت و عرض راه نیابد. چه اگر اهل حاجت را با وجود ثروت محروم گذارد، در دیانت لایق نبود و اگر از ایثار بر اکفا و متعرضان عرض اعراض کند از همّت دور باشد. سوم آن که مرتکب رذیلتی مانند بخل و حرص نگردد.» (خواجه نصیرالدین محمدبن محمدبن حسن توسی، ۱۳۷۳، ص ۱۰۹) امام علی (ع) نیز انسان بخیل را جامع بسیاری از عیب‌ها می‌داند و او را به

نقطه مقابل آن و باعث بدنامی و بی اعتباری است. «هرکه درزندگانی نانش نخورند چون بمیرد نامش نبرند.» (گلستان، ۲۷۹)

«شَابٌ سَخِيٌّ مُرَهَّقٌ فِي الذَّنُوبِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ شَيْخٍ عَابِدٍ بَخِيلٍ: جوان با سخاوتی که مرتکب گناہانی شود نزد خدا از پیرمرد عابد بخیل، محبوب‌تر است.» (اصول کافی، ج ۴، ص ۴۱)

«یکی از بهترین سرمایه گذاری‌هایی که می‌توانید انجام دهید روی خودتان است. به سخنرانی و یا سمینارها بروید. مغز خودتان را با افکار جدید، بنیادی و دانش آشنا کنید. به مغز خود فرصت دهید تا مطالعه کند. اجازه دهید تا مغزتان از فیلم‌ها، نوارها و لوح‌های فشرده یاد بگیرد. این هزینه‌ی اندک، سرمایه گذاری است که شما و خانواده‌یتان از آن پاداش‌های بی شماری به دست می‌آورید. بسیار عالی است که افراد کتاب‌های فراوانی درباره‌ی آشپزی، ورزش، تناسب اندام و سایر تفریحات می‌خرند. سرمایه گذاری که شما در خرید کتاب‌های پیشرفت شخصی و کمک به خود می‌کنید، موفقیت و پاداش‌های فراوانی در آینده برای شما می‌تواند به بار آورد. مغز خود را با دانش تغذیه کنید. مغز عطش فراوانی برای اطلاعات قابل استفاده دارد.» (ریچارد دنی، ۱۳۹۱، ۳۳-۳۴)

سعدی در حکایتی بخیلی را توصیف می‌کند که زر را از جان عزیزتر می‌دارد و حاضر است ختم قرآن کند اما پول نذر نکند «توانگری بخیل را پسری رنجور بود. نیک خواهان گفتندش: مصلحت آن است که ختم قرآن کنی از بهر وی یا بذل قربانی، لختی به اندیشه فرورفت و گفت: مصحف مهجور اولی‌تر که گله‌ی دور. صاحب دلی بشنید و گفت: ختمش به علت آن اختیار آمد که قرآن بر سر زبان است و زر در میان جان.

دریغا گردن طاعت نهادن گرش همراه بودی دست دادن
 به دیناری چو خر در گل بمانند ور الحممدی بخواهی صد بخوانند
 (گلستان، ضعف پیروی، ۲۲۵)

است که رژیم غذایی مدیترانه‌ای بهترین شیوه‌ی طولانی کردن این فرایند است. زیرا در این رژیم تندرستی بخش، غذاها حاوی الیاف بالا و چربی کم بوده و درعین حال در این رژیم، مصرف غذاهایی چون ماهی، روغن زیتون، غلات سبوس دار، سبزیجات و آجیل‌هایی چون گردو، فندق و بادام بالاست.» (کاتلین هال، ۱۳۸۹، ۶۵)

امام رضا (ع) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَبْجَحْ أَكْلًا وَلَا شُرْبًا إِلَّا لِمَا فِيهِ الْمَنْفَعَةُ وَالصَّلَاحُ وَلَمْ يَحَرِّمْ إِلَّا مَا فِيهِ الضَّرُّ وَالتَّلَفُ وَالْفَسَادُ: خداوند هیچ اکل و شربی را حلال نکرده است مگر آن که نفع و صلح بشر در آن بوده است و هیچ یک را حرام ننموده است مگر آن که مایه‌ی زیان و مرگ و فساد است.» (پیام آزادی، ۱۳۶۱، ۵۵) پس انسان برای سلامتی جسمانی و حتی روحانی خود به تغذیه‌ی حلال و سالم نیاز دارد.

اما بخیلی را که سعدی در این حکایت توصیف می‌کند مسلماً نمی‌تواند برای چنین راه کارهای هزینه بری پول خرج کند. «مال داری را شنیدم که به بخل چنان معروف بود که حاتم طایی در کرم. ظاهر حالش به نعمت دنیا آراسته و خست نفس جبلی در وی هم چنان متمکن، تا به جایی که نانی به جانی از دست ندادی، و گربه‌ی بوهریره را به لقمه‌ای نخواستی و او را کس ندیدی درگشاده، و سفره‌ی او را سرگشاده درویش بجز بوی طعاش نشنیدی مرغ از پس نان خوردن او ریزه‌نچیدی» (گلستان، فضیلت قناعت، ۱۵)

برای این که جوان بمانید، ده راز را باید بدانید. که راز سوم و چهارم آن هزینه دارد و افراد خسیس از عهده‌ی آن به خوبی بر نمی‌آیند. «سفر کردن را فراموش نکنید و سعی کنید هر از گاهی اندکی از وقت خود را با کسانی که واقعاً دوستشان دارید بگذرانید و نگذارید در این مدت کسی مزاحمتان شود.

اطراف خود را با چیزهایی که دوست دارید پر کنید. چیزهایی از قبیل گیاهان،

موسیقی و سرگرمی‌های مورد علاقه» (محمد صادقی سیار، ۱۳۹۱، ۵۰)

نتیجه

در پایان سخن می‌توان چنین نتیجه گرفت که نخست دو راه کار توجه به بخشندگی و دوری از حساست دو کلید بسیار مهم برای ورود به قلعه‌ی خوشبختی است. کسانی که می‌خواهند طعم سعادت را بچشند حتماً باید بخشنده باشند و بخل نوزند. چراکه بخشش، نوع دوستی است. انسان بخشنده می‌خواهد به دیگران کمک کند تا آنها از فقر رنج نبرند چنین شخصی خود نیز سلامت روحی خواهد داشت. همیشه آسوده خواهد بود و احساس شادی خواهد کرد. در عوض فرد بخیل، سلامتی روحی نخواهد داشت و به خاطر رژیم غذایی نامناسب، تندرستی خود را از دست خواهد داد.

دیگر اینکه این دو موضوع در ادبیات فارسی اهمیت فراوانی داشته و دارند و شاعران اخلاق‌گرا بخصوص سعدی که هم خود سعادت مادی و معنوی داشت و هم می‌خواست راه‌های آن را به مردم نشان دهد به این دو امر متضاد توجه زیادی داشتند. سعدی در عین حال که معلم اخلاق است یک روان‌شناس هم هست. او خوب می‌داند که عمل به این اصول اخلاقی می‌تواند یک آدم خود ساخته بسازد. انسانی که صاحب دنیا و آخرت باشد. پس بررسی چنین موضوعاتی در آثار سعدی هم بیان راه کارهای اخلاقی و روان‌شناسی موفقیت است هم اثبات این که علم روانشناسی موفقیت که امروزه در بسیاری از کتاب‌های غربیان از آن سخن رانده می‌شود، قرن‌ها پیش، مورد توجه نویسندگان و شاعران فارسی زبان بوده است.

۱۶ - معین، محمد (۱۳۸۴) فرهنگ معین، تهران: نامن، ج ۱.

۱۷ - میبدی، رشید الدین ابوالفضل (۱۳۸۴) کشف الاسرار و عدة الأبرار، گزینش و گزارش رضانزایی نژاد، تهران: جامی.